



## سیاست پسااستعماری و زنان مسلمان در سینمای هالیوود؛ تحلیل روایت فیلم «در سرزمین خون و غسل»

مجید سلیمانی ساسانی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله در پی آن است که با رویکرد تحلیل روایت، بازنمایی مسئله جنسیت و زن مسلمان را در سینمای هالیوود نشان دهد. از این رو با بهره‌گیری از رویکرد نظریه پسااستعماری در نقد گفتمان شرق‌شناسی در حوزه معنایی برساخت جنسیت زنان شرقی و مسلمان و همچنین فمینیسم لیبرال، به تحلیل روایت فیلم «در سرزمین خون و غسل» (آنجلینا جولی، ۲۰۱۱) می‌پردازد. این فیلم، یکی از مهمترین ساخته‌های سینمایی هالیوود است که روایت اصلی خود را به بازنمایی زن مسلمان اختصاص داده است. یافته‌های این پژوهش حاکی است که روایت این فیلم از کلیشه‌های شرق‌شناسانه جنسیتی پیروی می‌کند و به خوبی، تقابل دو رویکرد فمینیستی لیبرال و پسااستعماری را نشان می‌دهد. آنچنان که زن شرقی و مسلمان هم از طرف خواهر غربی و هم از طرف جامعه خویش مورد تحقیر قرار می‌گیرد. زن مسلمان در روایت این فیلم؛ هم ابژه کلیت شرق‌شناسانه سینمای آمریکایی است؛ هم کلیشه‌های جنسی و جنسیتی بر وی تحمیل می‌شود و هم در برابر نظام جهانی، متهم به خیانت می‌گردد و شایسته مرگ دانسته می‌شود. تحلیل روایت این فیلم می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی در فمینیسم پسااستعماری ایجاد کند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

### واژگان کلیدی

شرق‌شناسی، اسلام‌هراسی،  
هالیوود، تحلیل روایت،  
سیاست پسااستعماری

### ارجاع به مقاله:

سلیمانی ساسانی، مجید. (۱۴۰۰). سیاست پسااستعماری و زنان مسلمان در سینمای هالیوود؛ تحلیل روایت فیلم «در سرزمین خون و غسل». مطالعات زن و خانواده، ۹(۴)، ۱-۵. doi:10.22051/jwfs.2021.34202.2591

### زمینه و هدف

«غرب»، کلیت و برساخته‌ای تاریخی و فراروایی است که ادعای جهان‌شمولی دارد و امروز تبدیل به دانش شده و از موضع سلطه‌آمیز سخن می‌گوید. اینجاست که دانش «شرق‌شناسی» را به عنوان تعبیر ملل غرب از شرق طرح می‌شود. غرب برای معنابخشی به خود و ایجاد هویتی برتر، نیاز به توصیف «دیگری» دارد و در حال حاضر، این دیگری، مسلمانان هستند. یکی از ابعاد این دانش نیز بازنمایی جنسیت و زن شرقی و یا به عبارتی؛ زن مسلمان است. ابژه مطالعه زن مسلمان در این دانش، طرفدار دارد. ابژه‌ای که حس جنسی و خیال‌پرورانه غربی را تأمین می‌کرد و زن مسلمان شرقی را اسطوره رسیدن به تمایلات می‌ساخت. حال این نگاه، در سینمای هالیوود ادامه یافته است.

نقطه شروع بازنمایی زن مسلمان به سال‌های آغازین سینما و به فیلم «فاطمیما می‌رقصد» (۱۸۹۷) برمی‌گردد. اما این بازنمایی تاکنون ادامه یافته و به نظر می‌رسد که فیلم «در سرزمین خون و غسل»، میراث‌دار روایت تاریخی هالیوود از زنان مسلمان است. زیرا دو روایت اصلی از زنان در تاریخ این سینما را بازنمایی می‌کند. روایتی که انکشاف جنسی زن مسلمان به عنوان کلیشه‌ای شرق‌شناسانه موردعلاقه مرد غربی است و روایت دیگر که خشونت بر علیه زن مسلمان را توجیه می‌کند. سؤال اصلی نیز این است که سینمای هالیوود، بازنمایی خود از مسئله جنسیت را چگونه در ارتباط با مسلمانان ارائه می‌دهد و شخصیت زن مسلمان و مفاهیم همبسته آن مانند حقوق زنان و فمینیسم چگونه بازنمایی شده است؟

### چارچوب فهم زنان مسلمان در مطالعات پسااستعماری

«هومی بابا» با طرح مسئله «دورگه‌گی» می‌گوید که گفتمان استعماری به گونه‌ای عمل می‌کند که در هر عملی، زبان ارباب و صاحبان قدرت، دورگه می‌شود (یانگ، ۲۰۰۵: ۱۵۴). یعنی انسان در معرض استعمار، به واسطه دورگه‌گی در نژاد، سلطه را می‌پذیرد و یا به واسطه زن بودن و ظلمی که احياناً در جامعه پدرسالار شرقی متحمل شده است، در مقابل شکل‌های فمینیسم استعماری، پذیرای حقارت و سلطه است. «رابرت یانگ» نیز با طرح واژه «فمینیسم پسااستعماری» به مداخله‌های دولت استعمارگر می‌پردازد که ظاهراً به نفع زنان بوده است؛ اما اغلب به ضرر زنان تمام می‌شد. مانند سیاست فرانسه برای کشف حجاب اجباری در الجزایر که زنان مسلمان را در وضعیتی متناقض قرار داد و زندگی فمینیست‌های محلی را مشکل کرد (یانگ، ۲۰۰۳). «گایاتری اسپیواک» نیز با همین نگاه، ناهمگنی‌های درون فمینیسم را نقد کرده و معتقد است فمینیسم غربی فقط به دغدغه‌های زنان سفیدپوست طبقه متوسط می‌پردازد و زنان دیگر مناطق را نادیده می‌گیرد (اسپیواک، ۱۹۹۹). لایلا گاندی (۲۰۱۹) نیز معتقد است که عملکرد استعماری موجب می‌شود که زن جهان سومی هم از سوی نظام پدرسالار خود به حاشیه رانده شود و هم توسط استعمارگر. به تعبیر او، «فمینیسم لیبرال» صادق نبوده و زن جهان سومی برای او دیگری است. به همین دلیل در برابر خواهر غربی خود لطمه می‌خورد. بنابراین او فردی ناآگاه، فقیر، بی‌سواد، سنتی، خانه‌دار، خانواده‌محور و قربانی بازنمایی



می‌شود که کنترلی بر بدن و ویژگی‌های جنسی‌اش ندارد. از همین جهت، زن جهان‌سومی از عهده‌بازنمایی خود برنمی‌آید و این زن غربی است که وی را باید بازنمایی کند. از این جهت، منتقدان فمینیست پسااستعماری، مسائلی مثل جنسیت، میل و غریزه را در روند شکل‌گیری استعمار مورد توجه قرار می‌دهند.

## روش

روایت، برساختی برآمده از فرهنگ و گفتمان است که حضور راوی و مخاطب، آن را معنادار می‌کند و از «توالی» و «نظمی معنادار» برخوردار است که این نظم، دارای «ساختار» بوده و «قابلیت شناخت» دارد. در الگوی ترکیبی این مقاله، از تحلیل راوی، تحلیل ژانر، تحلیل پی‌رنگ، تحلیل زمان، تحلیل علیت و توالی یا پی‌رفت، تحلیل بسامد و تکرار، تحلیل شخصیت و تحلیل انواع روابط متقابل دوتایی در روایت استفاده می‌شود.

## یافته‌ها

فیلم «در سرزمین خون و عسل» توسط بازیگر هالیوود؛ «آنجلینا جولی» (۲۰۱۱) تولید شده است و داستانش در مورد روابط عاشقانه یک زن مسلمان و مردی صرب در زمان جنگ بوسنی در سال ۱۹۹۲ است. در روایت این فیلم، صرب‌ها جنایاتی علیه مسلمانان انجام می‌دهند؛ اما ریشه آن در رفتار تاریخی مسلمانان دانسته می‌شود. «خیانت زن مسلمان» به قهرمان عاشق هم در راستای همین روایت است. زیرا قهرمان فیلم حضور در جنگ را از سر اجبار می‌داند و به دنبال صلح است.

- ۱- از منظر تحلیل راوی، مواضع و دیدگاه‌هایی در مورد «دلایل وقوع جنگ»، «مسلمانان»، «مسیحیان و صرب‌ها»، «نقش نیروهای ناتو» و «سازمان ملل»، «رهبری و میانجی‌گری آمریکا»، «خیانت» و از همه مهم‌تر «مسئله تجاوز» و همچنین «فرهنگ مسلمانان» دارد.
- ۲- از منظر تحلیل ژانر فیلم در نسبت با روایت، فیلم در ژانر درام عاشقانه (رمانتیک) در تقاطع با ژانر جنگی طرح می‌شود. اما روایت ژانر عاشقانه نیز با خیانت آنلا به دانیل و قتلش توسط وی، روایتی ناتمام محسوب می‌شود و نمایش «پایان نافرجام عشق به یک زن مسلمان» است. بنابراین مخاطب قانع می‌گردد که هرگز نمی‌توان اخلاص عشق را تقدیم یک زن مسلمان خیانتکار کرد.
- ۳- در تحلیل شخصیت در روایت فیلم، فهرستی از مهم‌ترین کنشگران روایت تهیه و روابط ساختاری آن‌ها تحلیل می‌شود. راوی با انتخاب ویژگی‌های شخصیتی به روایت جهت می‌دهد و برساخت‌های معنایی می‌سازد. با این نگاه، «عامل کنشی» دانیل، «عشق» و «امید به زندگی» است که به دنبال صلح و آرامش می‌گردد. او «مجاز» و نماینده صرب‌های صلح‌خواهی است که علی‌رغم اختلافات اساسی با مسلمانان، پایبند به مقررات بین‌المللی و حاکمیت نظام جهانی هستند. او «استعاره» قدرت مردانگی، عشق، علاقه و نوع دوستی است که نفرتی در شخصیت وی وجود ندارد؛ حتی هنگامی که آنلا را می‌کشد. اما شخصیت آنلا، «مجاز» از زنان مسلمان است

که برای رسیدن به هدف، حتی بدن خود را در اختیار دشمن قرار می‌دهد. او «استعاره» از یک زن شرقی با تمامی فریب‌ها و اغواهای زنانه و «مرجع» شخصیت‌هایی است که اسطوره جنسی زنان شرقی را به دوش می‌کشند. راوی، برعکس مسلمانان، از صرب‌های اصیل چهره‌ای نفرت‌انگیز ارائه نمی‌کند و کار آنان را منطقی جلوه می‌دهد.

۴- در تحلیل عناصر روایی تصویری، راوی در ابتدای فیلم، آرامش شهر و شادمانی مردم با خیابان‌های منظم و تمیز، آپارتمان‌های مناسب و همچنین کلوپ شبانه را به تصویر کشیده می‌شود که به انفجار کلوپ شبانه توسط مسلمانان ختم می‌گردد. در واقع، بعد از این انفجار، دیگر آرامشی وجود ندارد. از منظر رمزهای لباس نیز از ابتدا، پوشش دانیل در لباسی نظامی است که او را به عنوان مرد غربی قدرتمند و عاشق‌پیشه معرفی می‌کند، اما عمدتاً آنلا با پوششی تحریک‌برانگیز ظاهر می‌شود که کلیشه اصلی شرق‌شناسی در مورد زنان مسلمان است.

۵- از منظر تحلیل بسامد و تکرار در فیلم، استدلال‌های تاریخی ژنرال در مورد جنایت‌های مسلمانان چندبار تکرار می‌شود. در حالی که «تکرار مفهوم تجاوز» بیشتر با تحقیر زن مسلمان همراه است و بیشتر به «خیانت جنسی» شباهت دارد.

۶- در تحلیل انواع روابط متقابل دوتایی می‌توان گفت که اساس روایت فیلم بر اساس دوگانه «زن مسلمان خیانت‌کار/ مرد مسیحی عاشق‌پیشه» است و دیگر دوگانه‌ها حول آن سامان یافته‌اند. روایت فیلم، رادیکالیسم مذهبی مسلمانان را دخیل در جنگ می‌داند که در برابر «تسامح دینی» است و اگر حاکمیت بوسنی در اختیار مسلمانان قرار گیرد، صرب‌ها مجبور به «اطاعت از قوانین مسلمانان» هستند. بنابراین چاره‌ای جز جنگ ندارند. در دوگانه «قومیت/مذهب» نیز مسیحیت در جنایت صرب‌ها علیه مسلمانان، مسئولیتی را نمی‌پذیرد.

### نتیجه‌گیری

این فیلم به خوبی نشان می‌دهد که چه روایتی از «زن شرقی»، «زن جهان‌سومی» و یا «زن مسلمان» در سینمای هالیوود به طور عام و فمینیسم لیبرال به طور خاص ارائه می‌گردد. راوی، مسائل زنان را نیز از دریچه نظام لیبرال غربی می‌نگرد و روایتش را متصل به ارزش‌های آمریکایی می‌کند. زن مسلمان هم ابژه کلیت شرق‌شناسانه سینمای آمریکایی می‌شود و هم از طرف هم‌جنسان غربی، تحقیر می‌گردد. تا آنجا که هم کلیشه‌های جنسی و جنسیتی بر وی تحمیل می‌شود و هم در برابر نظام جهانی، متهم به خیانت می‌گردد و شایسته مرگ دانسته می‌شود. آنلا در این فیلم، حامل کلیشه‌هایی همچون خیانت، عدم درک عشق و اسطوره تمایلات جنسی است. فضای پیش از داستان، سخن از دستیابی زنان مسلمان به حقوق اولیه خود است؛ اما این فرضیه رد شده و زن مسلمان، با اتهامات فراوانی که به واسطه اعتقاد دینی‌اش با آن روبرو است، تنها گذاشته می‌شود. راوی نتیجه می‌گیرد که زن مسلمان با گرایش‌های دینی، توان و امکان دریافت عشق را نیز



ندارد. نگاه پسااستعماری در نقد فمینیسم لیبرال دقیقاً به همین مسئله می‌پردازد و «دورگه‌گی» برای زن شرقی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. زن شرقی در اینجا هم از طرف خواهر غربی و هم از طرف جامعه خویش مورد تحقیر قرار می‌گیرد. بنابراین، راه مطالبه حقوق زنان شرقی و مسلمان را می‌توان راهی متفاوت از مسیری دانست که نگاه استعماری غرب آن را تجویز می‌کند.

## ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: این مطالعه با رعایت کدهای اخلاقی انجام پژوهش‌های انسانی صورت پذیرفته است.

حمایت مالی: مطالعه حاضر تحت حمایت مالی هیچ نهادی نبوده است.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول، تمامی مسئولیت محتوای این مقاله را بر عهده دارد.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم هیچ تعارضی با اصول اخلاقی تضاد منافع ندارد.

## References

- Gandhi, L. (2019). *Postcolonial theory*. Columbia University Press.
- Spivak, G. C. (1999). *A critique of postcolonial reason*. Harvard university press.
- Young, R. J. (2003). *Postcolonialism: a Very Short Introduction*. Oxford University Press, USA.
- Young, R. J. (2005). *White Mithologies*, 2th edit, Lodon and NewYork, Routledge.

